

فرهنگ ادبیات و هنر

ضمایر [او]

اعتراض به دروغ

نقاشی جدید جیم کری، لینکلن را

در حال شلیک به خودش نشان می‌دهد

کمدی‌های جیم کری، تصور جدی و معترض بودن این بازیگر آمریکایی را سخت می‌کند اما واقعیت این است **ج** آتش تندی در اعتراض دارد و برای بیان نظرات معترضانه‌اش فقط به کلمات بسنده نمی‌کند؛ جیم کری نقاشی می‌کشد و نقاشی‌های اعتراضی معروفی هم دارد، مثل همان نقاشی‌هایی که از ترامپ کشیده و تصویری که از ابن رئیس جمهور است به مجمع جمهوریخواهان یعنی حزب طرفدار ترامپ.

کری به عنوان بازیگر، نقاش و نویسنده در جدیدترین نقاشی خود به دروغ‌های مجمع ملی جمهوریخواهان، واکنش نشان داده است. او یک نقاشی بی‌رنگ از آبراهام لینکلن، شانزدهمین رئیس‌جمهور ایالات‌متحده کشیده‌که به‌عنوان یکی از بهترین و صادق‌ترین رئیس‌جمهورهای تاریخ آمریکا شناخته می‌شود. در این تصویر که کری در توئیتر به اشتراک گذاشته، لینکلن لوله تفنگی را داخل دهان خود گذاشته و می‌خواهد ماشه را بکشد.

کری در توصیف نقاشی نوشته: «اگر لینکلن مجموعه سخنرانان دروغگو، دزد، تزویرگر مذهبی و نژادپرست بدکاری را می‌دید که قرار است در مجمع ملی ۲۰۲۰ جمهوریخواهان حاضر بشوند....»

از لیست ۱۲ انفسره اصلی مجمع ملی جمهوریخواهان برای امسال، شش نفر عضو خانواده دونالد ترامپ هستند. علاوه‌بر ترامپ، دو پسر و دو دخترش و همچنین همسرش ملانیا‌ترامپ به‌عنوان سخنران معرفی شده‌اند.

مجمع، که هدف اصلی آن اعلام رسمی دونالد ترامپ و مایک پنس به‌عنوان نامزدهای رسمی ریاست‌جمهوری و معاونت انتخابات ۲۰۲۰ و تبیین سیاست‌ها و تفکرات حزب است، کار خود را دوشنبه آغاز کرد و تا پنجشنبه بیست‌وهفتم آگوست ادامه خواهد داشت.

در شب اول مجمع جمهوریخواهان، که بیشتر شبیه مجمع ترامپ بود، سخنرانی پس از سخنران دیگر روی صحنه آمد تا از ترامپ تحسین کند و او را تنها منجی آمریکا بخواند. جمهوریخواهان نشان دادند امسال پلنترم دیگری غیر از «حمایت قوی حزب از رئیس‌جمهور دونالد ترامپ و دولتش» ندارند.

این‌درحالی‌است‌که‌آمریکا‌با‌فاصله‌زیاد‌بیشترین‌تعداد‌موارد‌ابتلا‌و‌مرگ‌ومیر‌کووید-۱۹‌در‌جهان‌را‌به‌خود‌اختصاص‌داده‌است. بیش از ۱۸۰هزار آمریکایی تا به حال جان خود را در دوران پاندمی از دست داده‌اند و ارقام هنوز در حال رشد هستند. جیم کری دורךز قبل هم تصویر یک نقاشی دیگر خود را در توئیتر منتشر کرده بود. در این تصویر، فردی شبیه به ترامپ با صورتی پف‌کرده در حالی کشیده شده‌که به‌ونتیتاتور وصل است و روی کلاه قرمزش نوشته:«کاری کنیم آمریکا برایش بمیرد».



۳۳

طیاب همیشه این هدف را دنبال می‌کرد که جغرافیا فرهنگ کهن و گنجینه‌های مختلف ایران را در قالب تحقیق و پژوهش و فیلم مستند ثبت و ضبط کند

برگزیدگان کارتون کرونا معرفی شدند

مراسم پایانی معرفی برگزیدگان مسابقه بین‌المللی کارتون «ما کرونا را شکست می‌دهیم» شب دوشنبه با اعلام برترین آثار از میان ۴ هزار و ۲۰۰ اثر از ۸۸ کشور جهان و قرانت پیام سعید نمکی وزیر بهداشت و سیدمسعود شجاعی طباطبایی دبیر این مسابقه بین‌المللی برگزار شد. کتاب این نمایشگاه با مقدمه وزیر بهداشت و به شکل نفیس منتشر شده است که بیش از ۴۳ اثر از هنرمندان سراسر جهان در آن منتشر شده است.



کودک برگزیده جایزه کرونا در آلمان

بنیاد بین‌المللی کتاب‌خانه کودکان بلوتنبرگ در شهر مونیخ کشور آلمان طی فراخوانی از کودکان و نوجوانان از سراسر جهان خواست نقاشی‌های صورت خود را در زمان شیوع بیماری کرونا به تصویر بکشند. بیش از ۵۰ اثر از اعضای کانون استان کرمان به دبیرخانه این رویداد ارسال شد که از این میان نقاشی حسین کریمی عضو ۱۱ساله مرکز فرهنگی هنری کانون رفسنجان برای نمایش در این نمایشگاه انتخاب شد. / ایسنا

معمارِ مستند

منوچهر طیاب، کارگردان برجسته سینمای مستند روز گذشته در ۸۳ سالگی از دنیا رفت



علی رستگار

سینما

«تا هستم ای رفیق ندانی که کیستم / روزی سراغ وقت من آیی که

نیستم». این بیت از شهریار را احتمالاً خوانده یا شنیده‌اید که گاه با کاربرد ی دریغ‌ناک و مرده‌پرستانه مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد و با مرور آن، عزیزانی که در زمان حیات قدرشان را ندانستیم به‌یاد می‌آوریم. اما مثل این‌که گاهی واقعاگریزی از این تکرار حسرت‌بار نیست و انگار کسی جز شهریار، زبان حال بازمانده‌های ناسپاس نمی‌شود. چه بسیار گنج‌های رهاشده و خاک‌خورده‌ای در فرهنگ و هنر کشور داریم که با بی‌اعتنایی و بی‌توجهی و بی‌مهری، آنها را کفران نعمت می‌کنیم و در زمان حیات، قدران‌شان نیستیم و حتی تلاشی برای شناخت آنها نمی‌کنیم. منوچهر طیاب، مستندساز، نویسنده و منتقد برجسته‌کشوریکی از ستون‌های فرهنگی و هنری کشور بود که باوجود استادی و سال‌ها فعالیت و کارنامه درخشان، آنچنان که باید میان عامه مردم و حتی اهالی فرهنگ و هنر و رسانه، شناخته‌شده نبود. تنها فعالان سینمای مستند بودند که دست‌کم به نام، قدر و قیمت و جایگاه استاد را می‌دانستند و آنها‌که عاشق تر هستند به سینمای مستند و به ارزش کارهای طیاب واقف بودند، بیشتر سعی می‌کردند مستقیم و غیرمستقیم از او بیاموزند و بهره ببرند.

خوشبختانه سینمای مستند دست‌کم در سپاسگزاری و قدردانی، شرمنده منوچهر طیاب نشد و مدیران مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی و برگزارکنندگان سیزدهمین جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت (به عنوان مهم‌ترین رویداد سینمای مستند) در ۲۱ آذر سال گذشته و در برنامه‌ای درخشان از منوچهر طیاب و دکتر احمد ضابطی چهرمی تشکر کردند و روزی به‌یادماندنی برای آنها ساختند.

یکی از سینماگرانی که در آن روز، در وصف منوچهر طیاب سخنرانی کرد، دوست قدیمی‌اش خسرو سینیای بود و چه تلخ و عجیب که دوری این دو دوست، چندان طولانی نشد و آنها حالا به رفاقت‌شان در جایی دیگر ادامه می‌دهند. سینیای در اول صحبت‌هایش به خاطرات جالبی از رفیق خود اشاره کرد و گفت: رابطه من و منوچهر طیاب به حدود ۶۲ سال پیش برمی‌گردد. از زمانی که در دانشگاه می‌نواختم تا وقتی سفری به اروپا داشتیم، ما باهم شروع به تحصیل در رشته معماری کردیم و یادم هست سر امتحان ریاضی از روی دست یکدیگر می‌نوشتیم.

سینیای در ادامه، نکته مهمی درباره طیاب می‌گوید که ضمن اشاره به مهجور بودن و کمتر شناخته‌شدن این مستندساز مهم، درباره بزرگان در سایه‌مانده دیگری چون او هم کاربرد دارد. سینیای گفت: ۵۰ سال طول کشید تا خودم را قانع کردم سینما جز یک ابزار نیست که هر کسی با ذهنیت خود از آن بهره می‌برد، کسی دوست دارد آرتیست شود، کسی دوست دارد جنجال به‌راه بیندازد، کسی هم مثل طیاب دوست دارد آن را در جهت ارتقای فرهنگ جامعه به خدمت بگیرد. او هر وقت می‌خواست درباره سینما بنویسد (در دوران فعالیت مطبوعاتی و همکاری با مجله ستاره سینما) درباره چهره‌های موثر سینمای جهان قلم می‌زد.

یکی دیگر از ویژگی‌های طیاب که سینیای در آن برنامه درباره‌اش صحبت کرد، عشق به وطن بود. حالا مصداق این عاشقی و وطن‌پرستی در طیاب چگونه بود؟ او همیشه این هدف را دنبال می‌کرد که جغرافیا، فرهنگ کهن و گنجینه‌های مختلف ایران را در قالب تحقیق و پژوهش و فیلم مستند ثبت و ضبط کند. این هدف بزرگ با دانش و تخصص و اراده و پشتکار محقق شد و طیاب آثار ماندگار و درخشانی در این زمینه از خود به یادگار گذاشت. اگر عزم و اراده‌ای برای دانایی باشد، می‌توان بهره‌های فراوانی از این ماترک بی‌مانند برد.

همایون امامی، پژوهشگر سینما و مستندساز در همان مراسم بزرگداشت منوچهر طیاب در متنی که برایش نوشته بود، آورد: هنگامی که مدرنیت‌های زودرس و نابهنگام، بی‌بهره از زیرساخت‌های فکری فرهنگی‌اش، آن هم به ضرب و زور، ضربه‌های تیشه تیروارش را بر فرهنگ و هنر و نمادهای ارزشمند آن فرود می‌آورد این هنرمند است که دست مخاطب را می‌گیرد و او را از دالان‌های نیمه‌تاریک تاریخ می‌گذراند تا آن ویرانی را با ویرانی ناشی از حمله مغول برابرزهدی کند. آنچنان که طیاب در «سوی شهر خاموش» می‌خواست انجام دهد تا شاید خوگرندگان به خود آیند و در برابر ماشین‌های ویرانی و تخریب خودکامگانی که زیر پوشش نوسازی و تجدید یا باتشبه به سنت‌باوری و اخلاق به تخریب میراث‌های ذوق و طرافت پیشینیان پرداختند، برابر مرده‌ریگ نیاکان خود سپری از سیانت بگشایند و منوچهر طیاب در بیش از نیم‌قرن مستندسازی این‌گونه عمل کرده است.

تأکید روی پژوهشی ژرف و عمیق برای ساخت اثر، تجربه‌گرایی، نگاه اجتماعی معترض، توجه به درام به‌ویژه در مستندهای علمی و مردم‌نگاری که تنوع موضوعی را از مهم‌ترین ویژگی‌های منوچر طیاب دانسته‌اند.

منوچهر طیاب، دغدغه فراوانی برای معرفی درست ایران به جهان داشت. زمانی در مصاحبه‌ای گفته بود: می‌توانیم با تصویر، کشور خود را به جهانیان بشناسانیم. سینما این امکان را به ما می‌دهد که نه‌تنها فرهنگ و جغرافیای ایران را برای خودمان روشن کنیم، بلکه وجه آن را برای اروپاییان و غیرایرانیان نیز روشن کنیم.

این استاد که سهم به‌سزا و تعیین‌کننده‌ای در توسعه و گسترش علمی سینمای مستند در ایران داشت، در همان مراسم بزرگداشت خود در جشنواره سینماحقیقت، با فروتنی

نمای نزدیک

نام: منوچهر طیاب

تولد: ۱۳۱۶ تهران

درگذشت: ۵ شهریور ۱۳۹۹ وین

حرفه: مستندساز، نویسنده، مترجم و منتقد

تحصیلات: دانش‌آموخته معماری از دانشگاه فنی وین و تحصیلکرده رشته کارگردانی سینما و تلویزیون و طراحی صحنه از دانشکده سینمایی آکادمی دولتی موسیقی و هنرهای نمایشی وین

سوابق: استاد رشته سینما در دانشکده هنرهای دراماتیک و تلویزیون، سرپرست رشته سینماتوگرافی و عکاسی دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی تهران، عضو هیات داوران یونسکو در جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه لهستان و ...

برخی از آثار مستند: سفال، سرامیک، ریتم، مسجد جامع اصفهان، چهلستون، ایران سرزمین ادیان، معماری دوران صفوی، معماری اسلامی ایران: دوره ایلخانی، اصفهان هندسه‌ای در مقیاس انسانی، سدره شن، وانگه روان جهان گله کرد، همراه باد در دل تنهایی کویر، دریای پارس، زاگرس گاهواره تمدنی کهن

فیلم داستانی: سوزن‌بان (۱۳۵۰)

جوایز: جایزه سیمین دلفان از جشنواره بین‌المللی فیلم‌های مستند و آموزشی تهران (سرامیک)، دیپلم افتخار جشنواره برلین (مسجد جامع اصفهان)، دیپلم افتخار جشنواره وین (ریتم، ایران سرزمین ادیان)، دیپلم افتخار جشنواره مسکو (اصفهان هندسه‌ای در مقیاس انسانی)، دیپلم افتخار جشنواره رشد (وانگه روان جهان گله کرد)، لوح سیمین بهترین فیلمنامه و کارگردانی از جشنواره رتوترو (همراه باد در دل تنهایی کویر)، فیلم برگزیده جشنواره لوکارنو (همراه باد در دل تنهایی کویر)، لوح زرین جایزه شهید آوینی (دریای پارس)

تجلیل از خود را بزرگداشت سینمای مستند دانست. یعنی همان جنبه‌ای که سینیای به آن اشاره کرده بود: این‌که هنرمندی به جای منیت و خودنمایی و راه انداختن جنجال، بدون هیاهو و در آرامش، هنرش را برای پیشرفت فرهنگ جامعه به‌کار بگیرد. اگر از این گشاده‌دستی فروتنانه و بزرگوارانه، بهره نبریم و قدردان نباشیم و دست‌کم چنین بزرگان و گنجینه‌هایی را نبشناسیم، دریغ و حسرت کلیشه‌ای آن شعر شهریار که‌ساکان به قوت خود باقی است. **ج**

نظر ایشان غائله‌ها و آشوب‌ها و ترورها، امری طبیعی محسوب می‌شدند. جو بسیار ملتهب و نگران‌کننده‌ای بود، ولی پدرم آرام بودند و دست و پایشان را کم نمی‌کردند. مساله مرگ، کاملاً برای پدرم حل شده‌بود.

از روز شهادت‌شان برایمان بگویید. حالات ایشان در واپسین ساعت‌های حیات را چگونه دیدید؟

آن روز قرار بود برای من، به خواستگاری دخترخانمی بروند. پدرم قلباً با این وصلت موافق نبودند، اما دل‌شان هم نمی‌خواست دل مرا بشکنند. به همین دلیل صبح که داشتند از خانه بیرون می‌رفتند، به من یادآوری کردند که: به خانواده عروس خیر بدهم که ساعت ۴ و نیم بعدازظهر، به منزل‌شان می‌رویم. ساعت حدود ۶ صبح بود. من بعد از رفتن پدرم، دوباره خوابیدم. حدود دو ساعت بعد، مادرم آمدند و مرا از خواب بیدار کردند و گفتند: «بلندشو، گمان می‌کنم اتفاق بدی افتاده‌باشد.» وقتی فهمیدیم که پدرم و حسام و حاج‌آقا مهدیان و پاسدارشان را ترور کرده‌اند، با مامشین یکی از همسایه‌ها، سریع خودمان را به بیمارستان ایرانمهر رساندیم. موقعی که به آنجا رسیدیم، دیدم دارند پیکر حسام را در آمبولانس می‌گذارند. به ما گفتند که پیکر پدرم را به بازار برده‌اند که از آنجا تشییع کنند. ما به طرف بهشت‌زهر(اس) به‌راه افتادیم که مرحوم آیت‌ا... انواری آمدند و گفتند: «امام فرموده‌اند پیکر در قم دفن شود.»

این حادثه چگونه روی‌داده‌بود؟

حاج‌آقا مهدیان می‌گفتند، پدرم طبق معمول، دنبال ایشان می‌روند که با هم به مؤسسه کیهان بروند. پدرم وارد منزل ایشان می‌شوند و به چند جا تلفن می‌زنند و از این طریق، به چند کار سر و سامان می‌دهند. بعد سوار ماشین می‌شوند و پدرم پشت فرمان و حاج‌آقا مهدیان کنار ایشان می‌نشینند. حسام پشت سر حاج‌آقا مهدیان و محافظ آنها پشت سر حاج‌آقا می‌نشینند. ضاربین ظاهراً ۱۰ دقیقه قبل از حرکت پدرم، خیابان زمرد و کوچه منزل حاج‌آقا مهدیان را می‌بندند. دو نفر از آنها هم، در گوشه‌ای مخفی می‌شوند. پدرم وقتی سر کوچه می‌رسند، ترمز می‌کنند که به دست راست بپیچند و در همان لحظه، آنها ماشین را به گلوله می‌بندند. پدرم در دم شهید می‌شوند، اما حاج‌آقا مهدیان و حسام زخمی می‌شوند و مردم آنها را به بیمارستان ایرانمهر می‌رسانند. ظاهراً حسام وسط راه تمام کرده‌بود. نکته جالب این است که حاج‌آقا مهدیان، بیشتر در تیررس آنها بودند، ولی به قول پدرم زمانی که اجل انسان فرامی‌رسد، حتی اگر صد نفر هم سد راه باشند، تیر از آنها عبور می‌کند و به آن که باید، می‌خورد. حاج‌آقا مهدیان زنده ماندند و پدرم و حسام شهید شدند.

شاهدان عینی چه می‌گفتند؟

یکی از آنها می‌گفت: حاج‌مهدی از ماشین پیاده شد و همان موقع، گلوله‌ای به شاه‌رکش خورد و افتاد. بعد هم ضاربین اعلامیه‌ای را پخش کردند و از صحنه گریختند.

واکنش امام خمینی(ره) به ترور شهید عراقی را چگونه دیدید؟

خوشبختانه این توفیق دست داد که پس از تدفین پدر، خدمت امام برسیم و مراحم و الطاف ایشان توانست تاحد زیادی از آلام ما بکاهد. حضرت امام(ره) فرمودند: شهادت حاج‌مهدی، برای من بسیار سنگین است. بعدا شنیدیم که امام، نیمه‌شب به حرم حضرت معصومه(س) رفتند و مدتی بالای سر مزار مرحوم پدرم، قرآن و دعا خواندند. من نشنیده‌ام که ایشان درباره کس دیگری، این کار را انجام داده‌باشند. **ج**

این روزها زیاد در رسانه‌های گروهی شنیده می‌شود. او دو ماه قبل هم خبر از تولید قسمت تازه‌ای از مجموعه ترسناک و موفق «جیج» را داد. قسمت تازه این فیلم هم قرار است به احیای داستان نسخه اصلی آن بپردازد.

نسخه اصلی پروفسور دیوانه سال ۱۹۶۳ با هزینه‌ای هفت میلیون دلاری و توسط شرکت یونیورسال ساخته شد. کارگردانی فیلم را خود جری لوئیس به‌عهده داشت و یکی از نویسندگان فیلمنامه بود. فیلمنامه این کمدی بزن بکوب براساس داستان پرخواننده سال ۱۸۸۶ رابرت لوئیس استیونسن به نام «پرونده عجیب و غریب دکتر جکیل و مستر هاید» نوشته شد. نسخه جری لوئیس حدود ۲۰ میلیون دلار فروش کرد که رقم بالایی برای محصولات آن زمان به

حساب می‌آید. لوئیس قصد داشت قسمت‌های

بعدی فیلم موفق خود را تولید کند، اما این اتفاق نیفتاد. او در سال ۲۰۱۲ نسخه موزیکال این فیلم را در نمایشی صحنه‌ای در برداری روی صحنه برد.

شرکت یونیورسال در سال ۱۹۹۶ که ادی مورفی ستاره مشهوری بود، دست به دوباره‌سازی فیلم لوئیس زد. در مقابل هزینه متوسط ۵۴ میلیون دلاری تولید، این نسخه ۲۷۴ میلیون دلار در سراسر جهان فروش کرد. ۱۲۹ میلیون دلار از این رقم، اختصاص به گیشه آمریکای شمالی داشت. استقبال خوب تماشاگران از این نسخه، راه را برای ساخت قسمت دوم آن در سال ۲۰۰۰ هموار کرد. اما فروش جهانی ۱۶۶ میلیون دلاری فیلم در مقایسه با هزینه تولید ۸۴ میلیونی آن، رضایت خاطر سازندگانش را فراهم نکرد. / ددلاین



شیمیدانی که عود می‌نواخت

ادامه از صفحه ۹

او پس از این سینا بزرگ‌ترین دانشمند پزشکی جهان اسلام است؛ مجسمه‌اش را هم لایذ دیده‌اید در میدان رازی. طراحی و ساخت مجسمه کار استاد علی قهاری بوده است. نایبنا که شد از بغداد به ری بازگشت و در ری از دنیا رفت. مهم‌ترین اثر رازی، «الحاوی» است. رساله‌ای سودمند نیز درباره آبله و سرخک دارد که شاهکار علم پزشکی است و قرن‌ها در مراکز علمی ایران و دانشگاه‌های پزشکی اروپا تدریس شده است. او برخلاف دیگر دانشمندان طب که مایل به

درمان سلاطین و امرا و بزرگان بودند، به درمان مردم عادی اشتغال داشت. نخستین کسی است که بیماری آبله و سرخک را تشخیص داده و درمان کرده است. جمله معروفی از او مانده که گفته است طبیب کسی است که بیماری‌ها را با تجویز رژیم غذایی درمان کند؛ خب، می‌دانیم که او بر نقش تغذیه در سلامت اعتقاد وافر داشته و کتابی درخصوص تغذیه سالم با نام «منافع الاغذیه و مضارها» نوشته است. رازی، فیلسوفی برجسته نیز بود؛ او علاوه‌بر الکل، جوهر گوگرد و نفت سفید را هم کشف کرده است. پایه‌گذار شیمی نوین، در جوانی عود می‌نواخت و شعر می‌گفت. چشم او بر اثر کار با مواد تند آسیب دیده و به دنبال درمان این خلأ به پزشکی روی آورده

بود. ابوریحان بیرونی، علت نایبناپی او را کار با مواد شیمیایی از جمله بخار جیوه دانسته است. آرامگاه و محل دفن او نامعلوم است. جرج سارتن پدر تاریخ علم، از زکریا به عنوان بزرگ‌ترین پزشک قرون وسطی نام برده است.

بینید

انیمیشن «زکریای رازی»

کارگردان: فرشاد شفيعی

بخوانید

زکریای رازی و رودکی، پدر شعر فارسی

نویسنده: محمد دهقانی

ناشر: نی